

واکاوی فقر غذایی زنان روستایی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان بویراحمد

زهرا توکلی تبار^۱ - مصطفی احمدوند^{۲*} - مریم شریف‌زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی فقر غذایی زنان روستایی و عوامل مؤثر بر آن در روستاهای بخش مرکزی شهرستان بویراحمد است که در سال ۱۳۹۲ صورت پذیرفت. برای این منظور از روش تأمین انرژی غذایی و داده‌های جمع‌آوری شده از ۱۹۵ زن روستایی در بخش مرکزی شهرستان بویراحمد استفاده به عمل آمد. یافته‌ها نشان داد با محاسبه فقر غذایی، حدود ۳۱ درصد از زنان مورد مطالعه زیر خط فقر غذایی و ۶۹ درصد بالاتر از آن قرار داشته و غیرفقر محسوب می‌گردند. مقایسه میانگین وضعیت تحصیلات، اشتغال (سرپرست خانوار)، درآمد، تسهیلات بانکی، مالکیت و دارایی، پس‌انداز، مهارت اقتصادی، مشارکت اقتصادی، حمایت‌های دولت، نگرش همسر، خودکارآمدی، اعتماد به نفس، بهداشت جسمی، روحی و روانی در بین دو گروه زنان فقیر و غیرفقیر تفاوت معنی‌داری داشت. جهت بررسی دقت متغیرها در تفکیک دو گروه از تحلیل تشخیصی استفاده شد. مهم‌ترین متغیرهای متمایزکننده دو گروه شامل نگرش همسر، اعتماد به نفس، و خودکارآمدی بودند. این مدل حدود ۸۷/۷ درصد گروه‌بندی را به طور صحیح پیش‌بینی نمود. از آنجایی که متغیر نگرش همسر در تفکیک دو گروه بسیار مؤثر بوده، می‌توان با آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی به مردان روستایی، در جهت ارتقای منزلت زنان گام برداشت تا خودباوری و اعتماد به نفس در میان آنان افزایش یابد. فزون بر آن، ایجاد چتر حمایتی که دربرگیرنده توزیع کالاهای غذایی، بیمه‌ی بیکاری و بازنشستگی، بیمه‌ی درمانی و توسعه‌ی خدمات آموزشی می‌باشد، برای زنان روستایی پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: فقر غذایی، زن روستایی، توسعه روستایی، بویراحمد

مقدمه

اجتماعی در جوامع سرمایه‌داری است که از حدود ۱۵۰ سال قبل مورد توجه قرار گرفته است (۹). با وجود این که مسئله فقر و فقرشناسی در ایران از ابعاد مختلفی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته، لیکن به‌نظر می‌رسد نارسایی‌های زیادی در این زمینه وجود داشته باشد. به‌طوری که بیشتر مطالعات تکیه بر جنبه خاصی از قضیه نموده‌اند و این در حالی است که موضوعی به این گستردگی که از مهم‌ترین چالش‌های فراروی بشر است، شایسته مطالعات جامع‌تری بوده تا بتوان ضعف‌ها و موانع را شناسایی نموده و برای تقویت و رفع آن‌ها کوشید. در زیر به برخی از مطالعاتی که در زمینه بررسی فقر و عوامل مؤثر بر آن در داخل و خارج صورت گرفته، اشاره می‌شود.

نتایج حاصل از مطالعه‌ی افتخاری (۴) نشان داد که خط فقر غذایی ماهیانه برای یک فرد بالغ در سال ۱۳۸۸ در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد، معادل ۳۳۷۲۰۳ ریال می‌باشد. همچنین، سرانه، شکاف و شدت فقر غذایی در منطقه مورد مطالعه، به‌ترتیب ۳۱/۳، ۹/۶ و ۴ درصد به دست آمد. مهم‌ترین عوامل مؤثر بر فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد بُعد خانوار، نسبت افراد دارای درآمد به بُعد خانوار، نسبت افراد با سواد به بُعد خانوار، مالکیت

مسئله فقر به ویژه فقر روستایی از جمله موضوعاتی است که طی دو دهه اخیر به عنوان مهم‌ترین معضل جامعه بشری (۱۰)، هم در جوامع توسعه یافته و هم در حال توسعه توجه فراوانی به آن شده است (۶). آسیب‌پذیری روستاییان نسبت به عوامل حاصل از فقر به دلیل شرایط جغرافیایی، آب و هوایی، نوع معیشت، و توانایی کمتر در مقابله با حوادث، حیطه‌ی گسترده‌تری را در بر می‌گیرد (۱). بنابراین، شناخت صحیح عوامل مؤثر بر فقر از عوامل مهم در برنامه‌های فقرزدایی می‌باشد، چرا که عدم شناخت صحیح این عوامل در مناطق و میان گروه‌های مختلف جامعه باعث سیاست‌گذاری‌های نامناسب، اتلاف منابع کمیاب اقتصادی، عقیم ماندن تلاش‌ها و برنامه‌ها و توسعه ناپایدار می‌گردد (۷).

مطالعات مربوط به فقر یکی از نخستین جنبه‌های زندگی

۱، ۲ و ۳- به ترتیب دانشجوی سابق کارشناسی ارشد و استادیاران گروه مدیریت توسعه‌ی روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه یاسوج
* نویسنده مسئول: (Email: mahmadvand@yu.ac.ir)

زمین زراعی خانوار، حمام، تعداد اتاق درخانه، مالکیت تراکتور، رفاه اجتماعی، فاصله روستا تا مرکز شهرستان، استفاده از مساعدت نهادهای حمایتی، عضویت در تعاونی و استفاده از تسهیلات بانکی بوده‌اند (۴). برآورد خط فقر با استفاده از روش تأمین انرژی غذایی^۱ توسط نجفی و شوشتریان (۲۱) نیز نشان داد که خط فقر غذایی ماهانه در سال ۱۳۸۶ برای یک فرد بالغ در مناطق روستایی ۸۵،۷۹۴ ریال، در مناطق شهری ۹۸،۲۳۹ ریال و در کل کشور ۷۴،۷۴۷ ریال به دست آمده‌است. بر اساس خط فقر به دست آمده حدود ۳۰ درصد از افراد در جوامع روستایی، ۱۴ درصد در جوامع شهری و تقریباً ۲۳ درصد افراد در کل کشور درآمدی کمتر از خط فقر داشته‌اند (۲۱). شادی‌طلب و همکاران (۱۱) نیز پژوهشی را با چارچوب مفهومی فقر و توانمندسازی با ترکیب روش‌های کمی و کیفی در جامعه زنان سرپرست خانوار شهر اراک انجام دادند. نتایج نشان داد که زنان به خاطر زن بودن، بیشتر در معرض فقر هستند و فقر زنان فقط جنبه اقتصادی ندارد، بلکه جنبه‌های روانی و اجتماعی آن نیز حائز اهمیت بوده و برای مبارزه با فقر، توانمندی زنان و تحولات ساختاری لازم است. اسانتی (۲۳) بر این باور است که تعریف فقر صرفاً شامل محرومیت اقتصادی از قبیل کمبود درآمد نیست، بلکه عوامل دیگری از قبیل فقدان عزت نفس و استقلال را نیز در برمی‌گیرد. این محققان درصد تبیین چندگانه فقر از منظر مردان و زنان غنا بوده‌اند. آن‌ها معتقدند نابرابری جنسیتی، پدرسالاری و نقش‌های سنتی جنسیتی زنان، موجب شکل‌گیری تجربی در زنان شده که در طی آن زنان فقر را به مراتب بیشتر از مردان تجربه می‌کنند. بنابراین، آنان باید در پروژه‌ها و طرح‌های محلی جهت بهبود زندگی خود شرکت کنند. پژوهش کیانگ و همکاران (۲۸)، نابرابری جنسیتی و فقر در مدارس روستایی چین را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج نشان داد نرخ ترک تحصیل در میان دختران روستایی بیشتر است. آن‌ها معتقدند که سه دلیل وجود دارد که دختران روستایی از احساس فقر و محرومیت بیشتری رنج می‌برند: اول، تبعیض پنهان دختران روستایی در درون محیط اجتماعی بزرگتر، دوم، نابرابری جنسیتی که در درون ارزش‌های خانواده دیده می‌شود و سوم، ناآگاهی زنان از تأثیر این عوامل است. راستیج (۲۹) در مقاله‌ای با عنوان زنان و فقر، ابعاد روستایی و شهری درصد بود تا بیان نماید عواقب فقر برای زنان روستایی و شهری چیست؟ آیا تأثیر فقر بر زنان متفاوت است؟ آیا آن‌ها آسیب‌پذیرتر از دیگران هستند؟ یافته‌های این پژوهش نشان داد که تعداد زنان فقیر روستایی نسبت به زنان شهری در حال افزایش است. زنان روستایی فزون بر عوامل مؤثر بر فقر زنان شهری، از آنجایی که متحمل تبعیض نیز می‌شوند، آسیب‌پذیری بیشتری دارند. بر مبنای نتایج پژوهش، مشارکت زنان روستایی و شهری در

1- Food Energy Intake (FEI)

طرح‌های اقتصادی یکی از مهمترین راه‌های مبارزه با فقر آنان است. یافته‌های پژوهش الیس و امودیو (۲۵) در زمینه معیشت و کاهش فقر در مناطق روستایی تانزانیا نشان داد که فقر در مناطق روستایی به شدت با کمبود زمین و دام، ناتوانی در تأمین جایگزینی برای کاهش فرصت‌های مزرعه و همچنین برخورد ضعیف بخش دولتی در زمینه ساختارهای نهادی در ارتباط است که مانع ساخت مسیری برای رفع فقر می‌شود. تحقق دستاوردهای واقعی برای روند کاهش فقر نیاز به تثبیت وضعیت مالی (خرید و فروش) در سطح کلان و رسیدگی به ضعف‌های نهادی در سطح محلی دارد. همان‌گونه که مطالعات پیشین نشان داد عوامل زیادی مردم روستایی به ویژه زنان روستایی را مستعد قرار گرفتن در دایره فقر کرده است، آنان به عنوان قشر آسیب‌پذیر بیش از سایرین در معرض تبعیض‌های اجتماعی و فشارهای روانی ناشی از فقر قرار می‌گیرند. باید پذیرفت جامعه‌ای که نسبت به این قشر عظیم و آسیب‌پذیر بی‌اعتنا باشد، فزون بر این که از فراهم کردن زمینه‌های لازم برای رشد معنوی و فرهنگی آن‌ها غافل شده (۱۴)، ضربه جبران‌ناپذیری را نیز به کل جامعه وارد ساخته است (۱۷). به طوری که اندیشمندان اجتماعی بیان کرده‌اند، فقر آنان می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی باشد، آن‌گونه که ایستادن بر لبه پرتگاه، زمینه سقوط را فراهم می‌سازد، نداری و ناتوانی، شرط لازم افتادن در دره انحرافات اجتماعی است. بروز آسیب‌های روز افزون، فرار از خانه، زنان خیابانی، اعتیاد، سرقت، قتل و فحشا همگی ریشه در فقر دارند (۲). فزون بر آن، در اجرای بند یک اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به استناد بند "و" ماده ۹۵ برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت موظف شده است تا برای پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر اساس ضوابط اسلامی و برای ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه تغذیه، همه امکانات خود را به کار برد. بر این اساس، دستورالعمل‌های اجرایی کاهش فقر غذایی خانواده‌های کم درآمد به ویژه در مناطق روستایی به تصویب رسیده و اجرایی شده است. بر این اساس، پی‌ریزی تحقیقات همه جانبه در سطح سکونتگاه‌های روستایی به منظور شناخت وضع موجود تغذیه خانوارهای روستایی و نیز شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر شیوع فقر غذایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر تبیین فقر غذایی و شناسایی عوامل مؤثر بر آنان در زنان روستایی بخش مرکزی در شهرستان بویراحمد می‌باشد.

مواد و روش‌ها

اولین قدم در مسیر مبارزه با فقر و محرومیت، آگاهی از وضعیت فقر است. در تمامی مطالعات انجام شده روی فقر، لزوم استفاده از یک خط فقر وجود دارد (۲۱). به عقیده مارتین راولیون (۹) خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای

معادل افراد بالغ استفاده شده در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

مرحله سوم: در این مرحله غذای مصرف شده توسط هر فرد بالغ در خانوار به دست می‌آید. بدین منظور از رابطه ۲ بهره گرفته شد:

$$X_i = \frac{V_i}{H_i} \quad (2)$$

که در آن، V_i ارزش غذای مصرف شده توسط خانوار زام، H_i معادل افراد بالغ همان خانوار و X_i غذای مصرف شده هر فرد بالغ در خانوار زام است.

مرحله چهارم: معادل کالری استفاده شده برای انواع مختلف غذاهای مورد استفاده هر یک از افراد بالغ خانوار محاسبه می‌گردد. بدین منظور، کلیه غذاهای مورد استفاده توسط خانوارها به گروه‌های مختلف تقسیم‌بندی شده و با استفاده از کالری‌های گزارش شده در جدول ۲ ارزش غذایی هر فرد بالغ براساس کالری محاسبه می‌گردد.

مرحله پنجم: محاسبه خط فقر غذایی؛ در محاسبه مخارج انجام شده در سطح کالری دریافت شده، می‌توان از رگرسیون‌های پارامتریک خطی و یا درجه دوم استفاده کرد. سپس حداقل کالری مورد نیاز روزانه برای یک زندگی سالم در فرد بالغ که بر اساس گزارش‌های علمی، ۲۴۰۰ کالری در نظر گرفته شده (۲۴) که در این پژوهش استفاده شد و در معادله رگرسیونی به دست آمده جای‌گذاری شد و بدین صورت خط فقر غذایی محاسبه گردید.

مرحله ششم: گروه‌بندی افراد فقیر و غیر فقیر؛ در این مرحله بر اساس خط فقر محاسبه شده افراد فقیر و غیر فقیر تفکیک می‌شوند.

فزون بر آن، جامعه آماری این پژوهش، زنان مناطق روستایی بالای ۲۰ خانوار (۵۲ روستا) بخش مرکزی شهرستان بویراحمد در استان کهگیلویه و بویراحمد بودند که بر اساس جدول نمونه‌گیری پاتن (۲۷)، ۳۹ روستا انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. بر اساس نمونه‌گیری تصادفی در هر روستا، ۵ زن روستایی به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفت که در مجموع تعداد ۱۹۵ زن روستایی در این پژوهش مشارکت داشتند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته بود که روایی^۲ آن بر اساس دیدگاه متخصصان تأیید شد. همچنین پایایی^۳ بخش‌های مختلف پرسش‌نامه براساس ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۶۷ تا ۰/۹۵ تأیید گردید. داده‌ها و اطلاعات کمی پژوهش پس از گردآوری و بدست‌آوردن خط فقر کدگذاری شده و با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS₂₁ در محیط ویندوز، مورد تحلیل آمار توصیفی و استنباطی قرار گرفتند.

دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح حداقل رفاه دسترسی دارند غیرفقیر می‌باشند (۵). روش‌های سنجش فقر بسیار متنوع هستند و بسته به این که کدام مفهوم از فقر مورد نظر باشد، روش محاسبه فقر نیز متفاوت خواهد بود. در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران به منظور قضاوت در خصوص اثر سیاست‌های ضد فقر در طول زمان لازم است که فقر غذایی محاسبه شود. بر اساس دستورالعمل‌های بین‌المللی یکی از روش‌های محاسبه فقر غذایی که در ادبیات موضوع فقر مرسوم است، روش محاسبه انرژی غذایی دریافتی می‌باشد (۴، ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۶ و ۳۰). در پژوهش حاضر، به طور مشخص مراحل زیر جهت استخراج خط فقر غذایی به روش تأمین انرژی غذایی انجام شده که عبارتند از:

مرحله اول: هزینه‌ی غذای مورد استفاده توسط خانوار از طریق رابطه ۱ محاسبه شد.

$$V_j = \sum_i D_{ij} P_{ij} \quad (1)$$

که در آن V_j ، ارزش غذای مصرف شده توسط خانوار زام، D_{ij} مقدار غذای نام مصرف شده توسط خانوار زام و P_{ij} ارزش ریالی غذای نام است که توسط خانوار خریداری می‌شود.

جدول ۱- معادل افراد بالغ

گروه سنی	معادل	
	مرد	زن
۱-۰	۰/۳۳	۰/۳۳
۲-۱	۰/۴۶	۰/۴۶
۳-۲	۰/۵۴	۰/۵۴
۵-۳	۰/۶۲	۰/۶۲
۷-۵	۰/۷۴	۰/۷۰
۷-۱۰	۰/۸۴	۰/۷۲
۱۲-۱۰	۰/۸۸	۰/۷۸
۱۴-۱۲	۰/۹۶	۰/۸۴
۱۶-۱۴	۱/۰۶	۰/۸۶
۱۸-۱۶	۱/۱۴	۰/۸۶
۳۰-۱۸	۱/۰۴	۰/۸۰
۳۰-۶۰	۱/۰۰	۰/۸۲
بالای ۶۰ سال	۰/۸۴	۰/۷۴

مأخذ: شوشتریان (۲۱)

مرحله دوم: در این مرحله معادل افراد بالغ برای هر خانوار (H_i) به عنوان جایگزینی برای بُعد خانوار محاسبه می‌گردد. بدین منظور از معادل پیشنهاد شده توسط دکرون و کریشنان^۱ جهت اختصاص معادلی متناسب جنس و سن اعضای خانوار استفاده گردید.

جدول ۲- ارزش تغذیه‌ای هر صد گرم گروه‌های غذایی مختلف بر حسب واحد کالری

کالری موجود	گروه‌های غذایی	کالری موجود	گروه‌های غذایی
۵۰	میوه‌های درختی بجز مرکبات	۳۶۰	آرد، نشاسته، رشته و ماکارونی
۴۰	مرکبات	۳۶۰	انواع برنج، گندم و ذرت
۲۵	میوه‌های جالبیزی	۲۸۰	انواع نان
۲۰	سبزی‌های برگی	۳۳۰	بیسکویت و کیک
۳۰	سبزی‌های بوته‌ای	۳۳۰	گوشت دام
۱۰۰	سبزی‌های ریشه‌ای	۲۰۰	گوشت پرندگان
۲۰۰	میوه‌ها و سبزی‌های آماده (کنسرو)	۱۰۰	گوشت ماهی و میگو
۶۵۰	خشکبار و آجیل	۴۴	انواع شیر
۳۰۰	حبوبات	۲۰۰	فرآورده‌های شیر
۴۰۰	قند و شکر	۸۰	تخم پرندگان
۴۵۰	شیرینی‌ها و مرباها	۹۰۰	روغن‌ها و چربی‌های حیوانی
		۹۰۰	روغن‌های نباتی

مأخذ: شوشریان (۲۱)

مغازه‌داری و غیره) و ۲۹/۲ درصد به کار کشاورزی و دامداری مشغول بودند. فزون بر آن، ۱۳/۸ درصد نیز در ادارات دولتی اشتغال داشتند. میانگین تعداد اعضای خانوارها در نمونه‌های مورد مطالعه، ۴/۹۰ با انحراف معیار ۲/۱۱ می‌باشد. همچنین کمترین بُعد خانوار دو نفر و بیشترین آن ۱۲ نفر می‌باشد.

فقر غذایی و زنان روستایی

شاخص مورد استفاده برای تحلیل فقر در این پژوهش وضعیت غذایی افراد مورد مطالعه بود. از این رو خط فقر غذایی برای فرد بالغ در سال ۱۳۹۲ در مناطق روستایی مورد مطالعه ۱،۰۵۸،۴۶۸ ریال به دست آمد. بر اساس خط فقر به دست آمده، ۳۱/۲۸ درصد از افراد مورد مطالعه زیر خط فقر و ۶۸/۷۲ درصد نیز بالای خط فقر قرار گرفتند (جدول ۳). این یافته تا حد زیادی همسو با مطالعه انجام گرفته توسط افتخاری (۴) می‌باشد.

جدول ۳- توزیع زنان روستایی مورد مطالعه بر اساس فقیر و غیرفقیر بودن

درصد فراوانی	فراوانی	آزمودنی‌ها
۳۱/۲۸	۶۱	فقیر
۶۸/۷۲	۱۳۴	غیر فقیر
۱۰۰	۱۹۵	کل

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مقایسه ویژگی‌های زنان فقیر و غیرفقیر

در این بخش به مقایسه وضعیت اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی زنان مورد مطالعه در دو گروه زنان فقیر و غیر فقیر پرداخته شده است.

در حوزه آمار توصیفی، از شاخص‌های تمایل به مرکز (درصد، فراوانی، میانگین) و پراکندگی (انحراف معیار، دامنه تغییرات) با هدف دسته‌بندی آزمودنی‌ها از نظر ویژگی‌های مختلف و توصیف نمونه آماری استفاده شد. در حوزه آمار استنباطی نیز با هدف بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و آزمون فرضیه‌ها از آماره‌های مقایسه میانگین‌ها و تابع تشخیصی بهره گرفته شد.

نتایج و بحث

نتایج نشان داد از مجموع افراد مورد مطالعه (۱۹۵ نفر)، جمعاً ۱۵۸ نفر معادل ۸۱ درصد، متأهل و ۳۷ نفر معادل ۱۹ درصد، مجرد (مطلقه یا بیوه) بودند. میانگین سنی ۳۶/۳۳ سال، حاکی از جوان بودن اکثریت آزمودنی‌ها است. کمینه سنی پاسخگویان ۱۸ سال و بیشینه آن ۶۰ سال بود. میانگین سن سرپرست خانوار ۴۲/۰۶ سال و انحراف معیار ۱۱/۷۷ سال محاسبه شد. فزون بر آن، رده‌ی سنی ۲۳ سال به عنوان کمترین و ۷۷ سال به عنوان بیشترین رده‌ی سنی سرپرستان خانوار به دست آمد. اکثر افراد مورد بررسی دارای تحصیلات در سطح ابتدایی بودند. این نتیجه برای سرپرست خانوار آن‌ها در سطح ابتدایی گزارش شده است. از نظر وضعیت اشتغال اکثر زنان مورد مطالعه، خانه‌دار ۶۹/۲ درصد (در مجموع ۱۳۵ نفر) بودند و فاقد هرگونه فعالیت درآمدزایی در زمینه‌ی صنایع دستی و امور دام می‌باشند. این در حالی است که ۴/۱ درصد از زنان مورد مطالعه کارمند و ۱۴/۴ درصد از آنان فعالیت‌هایی نظیر صنایع دستی داشتند. در این میان، ۱۲/۳ درصد نیز به کارهای کشاورزی، باغبانی و دامداری مشغول بودند. وضعیت شغلی سرپرست خانوار نیز مورد مطالعه قرار گرفت. ۸/۷ درصد از سرپرست خانوارها بیکار، ۴۸/۲ درصد نیز شغل آزاد (راننده، کارهای ساختمانی،

جدول ۴- مقایسه وضعیت اقتصادی زنان فقیر و غیر فقیر

مؤلفه‌ها	زنان فقیر (n=61)		زنان غیر فقیر (n=134)		دامنه میانگین	آماره t
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
درآمد	۱/۴۱	۰/۶۷	۲/۹۰	۱/۲۴	۰-۶	-۱۰/۸۳۹ **
تسهیلات بانکی	۱/۱۸	۲/۰۷	۱/۸۵	۲/۳۷	۰-۶	-۲/۰۰۲ *
پس‌انداز	۰/۰۳	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۸۷	۰-۶	-۲/۱۳۵ *
مالکیت و دارایی	۱/۸۴	۱/۵۵	۳/۶۱	۲/۵۹	۰-۶	-۵/۹۲۹ **
مشارکت اقتصادی	۵/۷۶	۱/۹۰	۶/۷۶	۲/۰۹	۰-۱۵	-۳/۱۹۹ *
مهارت‌های اقتصادی	۶/۸۷	۲/۷۹	۷/۱۰	۳/۶۸	۲۵-۱۵	-۰/۴۹۳ *

مأخذ: یافته‌های پژوهش
 **: p < 0.01 *: p < 0.05 ns: p > 0.05

جدول ۵- مقایسه وضعیت اجتماعی - فرهنگی زنان فقیر و غیر فقیر

مؤلفه‌ها	زنان فقیر (n=61)		زنان غیر فقیر (n=134)		دامنه میانگین	آماره t
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار		
حمایت‌های دولت	۱/۳۱	۰/۷۶۵	۱/۲۵	۰/۶۳۳	۰-۴	۰/۵۱۵ *
نگرش همسر	۳۴/۱۰	۴/۶۳	۳۵/۹۴	۵/۶۷	۱۰-۵۰	-۴/۹۹۷ **
خودکارآمدی	۲۸/۳۳	۶/۱۹	۳۰/۹۳	۵/۲۳	۱۰-۴۰	-۳/۰۳۳ ns
اعتماد به نفس	۲۱/۰۷	۶/۳۳	۲۴/۶۳	۵/۷۱	۰-۴۲	-۳/۹۲۴ **
مشارکت اجتماعی	۲۷/۸۷	۵/۰۷	۲۸/۵۳	۶/۳۱	۹-۴۵	-۰/۷۱۹ ns
عدالت اجتماعی	۱۲/۰۰	۳/۵۴	۱۲/۲۹	۴/۱۰	۶-۲۴	-۰/۴۷۹ ns
تعامل اجتماعی	۱۱/۲۵	۲/۲۳	۱۰/۸۵	۰/۳۴	۳-۱۵	۱/۱۱۲ ns
مرد سالاری	۵/۷۵	۳/۱۳	۶/۱۶	۳/۰۶	۵-۲۵	-۰/۸۶۱ ns
قدرت تصمیم‌گیری	۳۷/۲۸	۹/۲۴	۳۷/۹۰	۱۰/۱۰	۱۰-۵۰	-۰/۴۱۱ ns
نابرابری جنسیتی	۸۲/۸۰	۱۰/۳۲	۸۲/۱۶	۱۲/۱۸	۵-۲۵	۰/۳۶۰ ns
رشد شخصیتی	۱۹/۶۶	۳/۳۱	۱۹/۹۱	۳/۵۴	۸-۳۲	-۰/۴۷۵ ns
بهداشت جسمی، روحی	۲/۳۴	۰/۶۵۵	۲/۸۷	۰/۳۵۶	۱-۳	-۵/۹۱۸ **

مأخذ: یافته‌های پژوهش
 **: p < 0.01 *: p < 0.05 ns: p > 0.05

دارد. مطالعه افتخاری (۴) نشان داد که بین افراد فقیر و غیرفقیر از لحاظ مؤلفه‌های درآمد، تسهیلات بانکی، و مالکیت و دارایی تفاوت معنی‌داری در سطح پنج درصد وجود دارد.

مقایسه وضعیت اجتماعی - فرهنگی زنان فقیر و غیر فقیر

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌گردد، از لحاظ میانگین شاخص‌های حمایت‌های دولت، نگرش همسر، خودکارآمدی، اعتماد به نفس و بهداشت جسمی، روحی و روانی، تفاوت معنی‌داری بین زنان فقیر و غیر فقیر وجود دارد. به طوری که زنان غیر فقیر از عوامل اجتماعی - فرهنگی مطلوب‌تری نسبت به زنان فقیر برخوردار بودند.

مقایسه وضعیت ویژگی‌های فردی زنان فقیر و غیر فقیر

همان‌طور که در جدول شماره ۶ مشاهده می‌گردد، از لحاظ میانگین شاخص‌های سطح تحصیلات فرد مورد مطالعه، سطح

بنابراین، از آزمون آماری تی مستقل^۱ به منظور مقایسه میانگین دو گروه بهره گرفته شد.

مقایسه وضعیت اقتصادی زنان فقیر و غیر فقیر

در این پژوهش، رابطه‌ی بین عوامل اقتصادی از جمله درآمد، تسهیلات بانکی، پس‌انداز، مالکیت و دارایی، مشارکت اقتصادی، مهارت‌های اقتصادی با فقر زنان روستایی مورد بررسی قرار گرفت. در ابتدا از آزمون تی مستقل جهت مقایسه‌ی میانگین این تعیین‌کننده‌ها در بین زنان روستایی فقیر و غیر فقیر استفاده شد. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد، از لحاظ میانگین شاخص‌های درآمد، تسهیلات بانکی، پس‌انداز، مالکیت و دارایی، مشارکت اقتصادی و مهارت اقتصادی، تفاوت معنی‌داری بین زنان فقیر و غیرفقیر وجود

1 - Independent sample T test

تحصیلات سرپرست خانوار و اشتغال سرپرست خانوار تفاوت معنی‌داری بین زنان فقیر و غیرفقیر وجود دارد. نتایج فوق با مطالعه افتخاری (۴) که هیچ‌کدام از ویژگی فردی سرپرست خانوار، اثر معنی‌داری بر کاهش فقر خانوارها نداشته است، مطابقت و همخوانی ندارد. در صورتی که این یافته‌ها با نتایج حاصل از مطالعه‌ی کازرونی (۲۰)، حسن‌زاده (۷)، عرب‌مازور و حسینی‌نژاد (۱۵) و البرز و همکاران (۲) که اشتغال، جنس سرپرست خانوار و تحصیلات را از ویژگی‌های فردی مؤثر بر فقر دانسته‌اند، هم‌جهت می‌باشد.

نتایج تحلیل ممیزی (تابع تشخیص)

از مدل تحلیل ممیزی به منظور تمایز بین ویژگی‌های زنان فقیر و غیرفقیر روستایی و کشف عوامل تعیین‌کننده مهم و ارزیابی دقت این روش استفاده شد. ترکیب خطی برای تحلیل تشخیصی بر مبنای رابطه زیر انجام می‌گیرد:

$$Z = W_1 X_1 + W_2 X_2 + W_3 X_3 + \dots + W_n X_n \quad (3)$$

در این معادله Z میزان تشخیص و یا میزان تفاوت، W وزن تشخیص و X متغیر مستقل است.

در این پژوهش براساس مدل تحلیل ممیزی، مؤلفه‌های درآمد (X_۱)، برخوردار بودن از تسهیلات بانکی (X_۲)، پس‌انداز (X_۳)، مالکیت و دارایی (X_۴)، مشارکت اقتصادی (X_۵)، مهارت‌های اقتصادی (X_۶)، حمایت‌های دولتی نظیر بیمه تأمین اجتماعی (X_۷)، نگرش همسر (X_۸)، خودکارآمدی (X_۹)، اعتماد به نفس (X_{۱۰})، مشارکت اجتماعی (X_{۱۱})، عدالت اجتماعی (X_{۱۲})، تعامل اجتماعی (X_{۱۳})، مردسالاری (X_{۱۴})، قدرت تصمیم‌گیری (X_{۱۵})، نابرابری جنسیتی (X_{۱۶})، رشد شخصیتی (X_{۱۷})، بهداشت جسمی، روحی و روانی (X_{۱۸})، تحصیلات فرد مورد مطالعه (X_{۱۹})، تحصیلات سرپرست خانوار (X_{۲۰})، سن فرد مورد مطالعه (X_{۲۱})، سن سرپرست خانوار (X_{۲۲})، اشتغال فرد مورد مطالعه (X_{۲۳})، اشتغال سرپرست خانوار (X_{۲۴})، بعد خانوار (X_{۲۵})،

وضعیت تأهل (X_{۲۶}) و فاصله محل سکونت تا مرکز شهر (X_{۲۷}) به عنوان سازه‌های پیش‌بینی‌کننده فقر غذایی زنان روستایی به ترتیب وارد مدل گردید. جدول ۷ ضرایب استاندارد شده و ضرایب استاندارد نشده تابع تشخیص یا متمایزکننده دو گروه زنان فقیر و غیرفقیر را مشخص می‌نماید. مقادیر استاندارد شده اهمیت نسبی متغیرها در تابع تشخیصی را نشان می‌دهند. مقادیر بزرگتر حاکی از اهمیت بیشتر آن متغیر در تابع تشخیصی است. همان‌طور که در جدول نمایان است، متغیرهای میزان درآمد، نگرش همسر و مردسالاری به ترتیب بیشترین تأثیر را بر فقیر یا غیرفقیر شدن زنان روستایی داشته‌اند. ضرایب استاندارد نشده، به منظور ضرایب تعیین معادله تشخیصی یا متمایزکننده دو گروه فقیر و غیرفقیر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بر اساس مقادیر استاندارد نشده معادله تشخیصی متمایزکننده‌ی

دو گروه فقیر و غیر فقیر را می‌توان به شرح ذیل ارایه نمود:

$$D = 0.570X_1 + 0.473X_2 + 0.321X_3 + 0.301X_4 + 0.284X_5 + 0.255X_6 + 0.231X_7 + 0.222X_8 + 0.208X_9 + 0.197X_{10} + 0.124X_{11} - 0.107X_{12} + 0.100X_{13} + 0.098X_{14} - 0.082X_{15} - 0.072X_{16} + 0.060X_{17} - 0.057X_{18} + 0.056X_{19} + 0.047X_{20} + 0.036X_{21} - 0.036X_{22} + 0.031X_{23} + 0.031X_{24} + 0.029X_{25} + 0.027X_{26} - 0.023X_{27}$$

در تحلیل تشخیصی انتخاب متغیرها برای ورود به تحلیل بر مبنای حداقل مقدار لامبدای ویلکس انجام می‌گیرد. به طور کلی در تحلیل تشخیصی برای سنجش کارایی تابع تشخیص، معمولاً از آزمون لامبدای ویلکس استفاده می‌شود. با توجه به جدول ۸ در این تابع مقدار لامبدای ویلکس ۰/۴۴۸ است که با توجه به سطح معنی‌داری آن (Sig.=۰/۰۰۰۱) می‌توان نتیجه گرفت، تفاوت ممیزی بین دو گروه فقیر و غیر فقیر از نظر آماری معنی‌دار است. در واقع می‌توان بیان داشت که تابع حاصل می‌تواند دو گروه فقیر و غیر فقیر را از هم متمایز کند. معنی‌دار بودن کای اسکور اولین قدم در ارزیابی مدل است و در واقع معنی‌داری تابع تشخیصی به وسیله کای اسکور مشخص می‌گردد.

جدول ۶- مقایسه وضعیت ویژگی‌های فردی زنان فقیر و غیر فقیر

آماره t	زنان غیر فقیر (n=۱۳۴)		زنان فقیر (n=۶۱)		مؤلفه‌ها
	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
-۳/۹۲۴ **	۴/۵۲	۷/۰۷	۳/۴۸	۴/۷۳	تحصیلات زن روستایی ^a
-۳/۶۹۲ *	۵/۵۴	۷/۹	۴/۴۹	۵/۲	سواد سرپرست خانوار ^a
۰/۱۸۷۶ ns	۹/۹۶	۳۵/۹۰	۱۰/۲۴	۳۷/۲۶	سن فرد مورد مطالعه
۱/۶۵۴ ns	۱۱/۳۶	۴۱/۱۲	۱۲/۴۹	۴۴/۱۱	سن سرپرست خانوار
-۰/۹۲۴ ns	۰/۴۷	۰/۳۳	۰/۴۴	۰/۲۶	اشتغال فرد مورد مطالعه ^b
-۳/۳۸۸ **	۰/۱۹	۰/۹۶	۰/۴۲	۰/۷۷	اشتغال سرپرست خانوار ^b
۱/۲۶۳ ns	۱/۹۲	۴/۷۷	۲/۴۶	۵/۱۸	بُعد خانوار
-۰/۵۵۹ ns	۰/۳۸۵	۰/۸۲	۰/۴۱۳	۰/۷۹	وضعیت تأهل

a= بر حسب سال b= به صورت مجازی صفر (غیر شاغل) و یک (شاغل) بیان شده است

ns: p> 0.05 * : p< 0.05 ** : p< 0.01

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۷- ضریب استاندارد و غیر استاندارد متغیرهای مستقل پژوهش

متغیر	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد
درآمد (X _۱)	۰/۵۶۴	۰/۵۷۰
برخوردار بودن از تسهیلات بانکی (X _۲)	۰/۰۹۹	۰/۴۷۳
پس انداز (X _۳)	۰/۰۱۱	۰/۳۲۱
مالکیت و دارایی (X _۴)	۰/۱۸۸	۰/۳۰۱
مشارکت اقتصادی (X _۵)	۰/۰۹۸	۰/۲۸۴
مهارت‌های اقتصادی (X _۶)	-۰/۰۵۵	۰/۲۵۵
حمایت‌های دولتی (X _۷)	-۰/۰۸۵	۰/۲۳۱
نگرش همسر (X _۸)	۰/۳۰۲	۰/۲۲۲
خودکارآمدی (X _۹)	۰/۱۷۴	۰/۲۰۸
اعتماد به نفس (X _{۱۰})	۰/۱۳۳	۰/۱۹۷
مشارکت اجتماعی (X _{۱۱})	-۰/۱۱۵	۰/۱۲۴
عدالت اجتماعی (X _{۱۲})	-۰/۲۷۴	-۰/۱۰۷
تعامل اجتماعی (X _{۱۳})	۰/۱۵۳	۰/۱۰۰
مرد سالاری (X _{۱۴})	-۰/۲۲۷	۰/۰۹۸
قدرت تصمیم‌گیری (X _{۱۵})	-۰/۲۶۶	-۰/۰۸۲
نابرابری جنسیتی (X _{۱۶})	۰/۱۰۷	-۰/۰۷۲
رشد شخصیتی (X _{۱۷})	۰/۱۷۶	۰/۰۶۰
بهداشت جسمی، روحی و روانی (X _{۱۸})	۰/۶۰۷	-۰/۰۵۷
تحصیلات زن روستایی (X _{۱۹})	۰/۴۵۷	۰/۰۵۶
تحصیلات سرپرست خانوار (X _{۲۰})	-۰/۱۲۲	۰/۰۴۷
سن فرد مورد مطالعه (X _{۲۱})	۱/۴۶۱	۰/۰۳۶
سن سرپرست خانوار (X _{۲۲})	-۱/۲۳۱	-۰/۰۳۶
اشتغال فرد مورد مطالعه (X _{۲۳})	-۰/۰۱۶	۰/۰۳۱
اشتغال سرپرست خانوار (X _{۲۴})	۰/۱۱۲	۰/۰۳۱
بُعد خانوار (X _{۲۵})	۰/۱۶۶	۰/۰۲۹
وضعیت تأهل (X _{۲۶})	۰/۱۳۲	۰/۰۲۷
فاصله محل سکونت تا مرکز شهر (X _{۲۷})	۰/۰۳۲	-۰/۰۲۳

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۸- سطح معنی‌داری تابع تشخیص

متغیر	لامبدای ویلکس	کای اسکوئر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
تابع تشخیص (Z)	۰/۴۴۸	۱۴۳/۹۸۳	۲۷	۰/۰۰۰۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۹ ویژگی‌های مختلف دو گروه فقیر و غیر فقیر با یکدیگر مقایسه شده است.

همان‌طور که در این جدول دیده می‌شود، از نظر میان دو گروه از نظر درآمد (X_1)، مالکیت و دارایی (X_4)، مشارکت اقتصادی (X_8)، نگرش همسر (X_8)، خودکارآمدی (X_9)، اعتماد به نفس (X_{10})، مشارکت اجتماعی (X_{12})، بهداشت جسمی، روحی و روانی (X_{18})، تحصیلات زن روستایی (X_{19})، تحصیلات سرپرست خانوار (X_{20}) و اشتغال سرپرست خانوار (X_{24}) دو گروه با یکدیگر تفاوت معناداری دارند.

یافته‌های جدول ۹، همبستگی متغیرهای مدل تلفیقی با تابع ممیزی را نیز نشان می‌دهد. با توجه به این یافته‌ها، متغیر نگرش همسر دارای بیشترین همبستگی با تابع ممیزی است ($r = 0/731$) و بیان‌گر این است که این متغیر مهم‌ترین عامل در تعیین دو گروه زنان روستایی فقیر و غیرفقیر است. همبستگی متغیرهای دیگر نظیر اعتماد به نفس ($r = 0/712$) و خودکارآمدی ($r = 0/681$) با تابع ممیزی نیز قابل ملاحظه است.

متغیرهای تعامل اجتماعی، سن فرد مورد مطالعه، سن سرپرست خانوار، اشتغال فرد مورد مطالعه، بُعد خانواده، وضعیت تأهل و فاصله محل سکونت تا مرکز شهر همبستگی با تابع ممیزی ندارند. در جدول

جدول ۹- نتایج تحلیل تابع تشخیص در مورد متغیرهای مستقل پژوهش

متغیرها	میزان همبستگی	G_1	G_2	سطح معنی داری
درآمد (X_3)	۰/۵۳۵	۱/۴۱	۲/۹۰	۰/۰۰۰۰۱
برخوردار بودن از تسهیلات بانکی (X_7)	۰/۲۸۸	۱/۶۰	۱/۷۰	۰/۰۵۹
پس‌انداز (X_7)	۰/۱۶۲	۰/۰۳	۰/۲۱	۰/۱۲۶
مالکیت و دارایی (X_4)	۰/۳۹۰	۱/۸۴	۳/۶۱	۰/۰۰۰۰۱
مشارکت اقتصادی (X_8)	۰/۴۹۶	۵/۷۶	۶/۷۶	۰/۰۰۲
مهارت‌های اقتصادی (X_6)	۰/۴۳۲	۶/۸۷	۷/۱۰	۰/۶۵۷
حمایت‌های دولتی (X_5)	۰/۱۵۳	۱/۳۱	۱/۲۵	۰/۵۸۱
نگرش همسر (X_8)	۰/۷۳۱	۳۲/۱۰	۳۵/۹۴	۰/۰۰۰۰۱
خودکارآمدی (X_9)	۰/۶۸۱	۲۸/۳۳	۳۰/۹۳	۰/۰۰۳
اعتماد به نفس (X_{10})	۰/۷۱۲	۲۱/۰۷	۲۴/۶۳	۰/۰۰۰۰۱
مشارکت اجتماعی (X_{11})	۰/۴۵۲	۳۷/۸۷	۲۸/۵۳	۰/۰۰۰۰۱
عدالت اجتماعی (X_{12})	۰/۲۸۰	۱۲/۰۰	۱۲/۲۹	۰/۶۳۲
تعامل اجتماعی (X_{13})	۰/۰۷۳	۱۱/۲۵	۱۰/۸۵	۰/۲۶۸
مرد سالاری (X_{14})	-۰/۲۴۹	۵/۷۵	۶/۱۶	۰/۳۹۰
قدرت تصمیم‌گیری (X_{15})	۰/۳۸۶	۳۷/۲۸	۳۷/۹۰	۰/۶۸۲
نابرابری جنسیتی (X_{16})	-۰/۲۴۲	۸۲/۸۰	۸۴/۱۶	۰/۷۱۹
رشد شخصیتی (X_{17})	۰/۳۰۱	۱۹/۶۶	۱۹/۹۱	۰/۶۳۵
بهداشت جسمی، روحی و روانی (X_{18})	۰/۲۵۱	۲/۳۴	۲/۸۱	۰/۰۰۰۰۱
تحصیلات زنان روستایی (X_{19}) ^a	۰/۲۹۴	۴/۷۳	۷/۰۷	۰/۰۰۰۰۱
تحصیلات سرپرست خانوار (X_{20}) ^a	۰/۲۷۶	۵/۲	۷/۹	۰/۰۰۰۰۱
سن فرد مورد مطالعه (X_{21})	۰/۰۳۶	۳۷/۲۶	۳۵/۹۰	۰/۳۸۲
سن سرپرست خانوار (X_{22})	۰/۰۴۷	۴۴/۱۱	۴۱/۱۲	۰/۱۰۰
اشتغال فرد مورد مطالعه (X_{23}) ^b	۰/۱۰۶	۰/۲۶	۰/۳۳	۰/۳۵۲
اشتغال سرپرست خانوار (X_{24}) ^b	۰/۱۸۳	۰/۷۷	۰/۹۶	۰/۰۰۰۰۱
بعد خانوار (X_{25})	-۰/۰۱۷	۵/۱۸	۴/۷۷	۰/۲۰۸
وضعیت تأهل (X_{26})	-۰/۰۰۷	۰/۷۹	۰/۸۲	۰/۵۷۷
فاصله محل سکونت تا مرکز شهر (X_{27})	-۰/۰۱۹	۱۸/۲۰	۲۰/۸۲	۰/۷۸۹
Canonical R	۰/۷۴۳			
Eigenvalue	۱/۲۳۹			

مأخذ: یافته‌های پژوهش $G_1 =$ میانگین زنان فقیر $G_2 =$ میانگین زنان غیر فقیر
 $a =$ بر حسب سال بیان شده است. $b =$ به صورت صفر (غیر شاغل) و یک (شاغل) بیان شده است.

آسب پذیری افزون تری برخوردارند و فقر غذایی طولانی مدت به تدریج منابع و سرمایه‌های فیزیکی، اجتماعی، روانی و جسمی آن‌ها را به تحلیل برده و آن‌ها را به موقعیت حاشیه‌ای می‌راند (۱۹). زنانی که فقر را با همه پوست و گوشت خود لحظه به لحظه در نهایت درد و رنج تجربه می‌کنند امکان دسترسی به منابع حیاتی مانند زمین، پول و ارث را ندارند. کار بدون دستمزد خانگی آن‌ها، کار شناخته نمی‌شود و در رابطه با اشتغال نظام مردسالارانه حاکم اجازه رقابت با مردان را برای آن‌ها فراهم نمی‌آورد و به همین دلیل دچار فقر و نابرابری طبقاتی و جنسیتی می‌شوند. همچنین به مراقبت‌های سلامتی و نیازهای غذایی آن‌ها اهمیتی داده نمی‌شود، دسترسی آن‌ها به تحصیل و خدمات تأمین اجتماعی حداقل است و با قرار گرفتن در چرخه فقر بر محرومیت آن‌ها افزوده می‌شود (۱۸). در همین راستا، هدف پژوهش حاضر تبیین فقر از دیدگاه زنان روستایی بخش مرکزی شهرستان بویراحمد بود. بدون شک اولین قدم در برنامه مبارزه با فقر، شناسایی هر چه دقیق‌تر افراد فقیر است (۱۵). برای رسیدن به این هدف و شناسایی زنان روستایی فقیر ابتدا خط فقر غذایی محاسبه شد. در این پژوهش خط فقر غذایی برای مناطق روستایی مورد مطالعه در سال ۱۳۹۲، ۱۰۵۸۰۴۶۸ ریال محاسبه شده است. به دلیل افزایش قیمت‌ها (تورم) در طی دوره‌ی مورد مطالعه، خط فقر غذایی شتاب بالایی داشته به طوری که خط فقر غذایی در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۸۸ بیش از سه برابر افزایش یافته است. نتایج نشان دادند که مشمولین فقر تغذیه‌ای در بین روستاییان حدود ۳۱ درصد بوده است. با این میزان حدود یک سوم زنان در جامعه‌ی روستایی از فقر تغذیه‌ای رنج می‌برند. با وجود این، می‌توان اظهار کرد که اکثریت خانوارهای جامعه روستایی (حدود ۶۹ درصد) بالاتر از خط فقر غذایی قرار گرفته‌اند.

مقایسه میانگین ویژگی‌های فردی افراد مورد مطالعه و سرپرست خانوار از جمله (جنس، سن، تحصیلات و اشتغال) نشان داد که از نظر تحصیلات و اشتغال (سرپرست خانوار) تفاوت معنی‌داری بین خانوارهای فقیر و غیرفقیر وجود دارد. از نظر مؤلفه‌های اقتصادی نیز تفاوت معنی‌داری بین دو گروه زنان روستایی فقیر و غیر فقیر در تعیین کننده‌های درآمد، تسهیلات بانکی، مالکیت و دارایی، پس‌انداز و مهارت اقتصادی وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق حاکی از وجود تفاوت معنی‌دار در مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی از جمله، شاخص حمایت‌های دولت، نگرش همسر، خودکارآمدی، اعتماد به نفس و بهداشت جسمی، روحی و روانی در میان زنان روستایی فقیر و غیر فقیر می‌باشد.

واکاوی تابع ممیزی حاصل از مدل تلفیقی نشان داد که این مدل می‌تواند با دقتی بالا، زنان روستایی فقیر و غیرفقیر را از هم تفکیک کند.

بر مبنای یافته‌های جدول ۹، در این تابع ضریب همبستگی کانونیکال برابر با ۰/۷۴۳ می‌باشد که مجذور این عدد ۰/۵۵۲ است. از این عدد می‌توان نتیجه گرفت که ۵۵/۲ درصد از واریانس متغیر گروه‌بندی توسط این مدل که در آن ۲۷ متغیر مستقل وارد شده است، تبیین می‌شود و بین متغیر گروه‌بندی شده با نمره ممیزی همبستگی بالایی وجود دارد. همچنین مقدار ویژه^۱ نیز که نشان‌دهنده‌ی نسبت مجموع مربعات تفاوت نمرات ممیزی بین گروه‌ها به مجموع مربعات تفاوت ممیزی بین درون گروه است.

مراکز ثقل گروه‌ها که در واقع میانگین مقادیر استاندارد شده برای هریک از گروه‌های فقیر و غیرفقیر (z-score) را نشان می‌دهند، در جدول ۱۰ آمده است. اگر این مقادیر در تعداد افراد گروه‌های مربوط به خود ضرب و با یکدیگر جمع شوند، نتیجه صفر خواهد شد. بر اساس این مراکز ثقل می‌توان تشخیص داد که موقعیت زن روستایی از نظر فقیر و یا غیرفقیر بودن، چگونه است. با قرار دادن مقادیر متغیرهای تشخیصی یک گروه جدید در تابع فوق و محاسبه مقدار z می‌توان این مقدار را با میانگین مراکز ثقل مقایسه و اگر مقدار به دست آمده در تابع فوق و محاسبه مقدار کمتر از میانگین مراکز ثقل بود، آن زن روستایی جزو گروه فقیر و اگر بالاتر بود جزو گروه غیر فقیر است.

جدول ۱۰- مراکز ثقل گروه‌های زنان فقیر و زنان غیر فقیر

گروه‌ها	مراکز ثقل
زنان فقیر	-۱/۶۳۶
زنان غیر فقیر	۰/۷۴۵

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همچنین برای تعیین میزان کارایی تابع ممیزی حاصل از مدل تلفیقی و توانایی این مدل در تقسیم‌بندی صحیح دو گروه زنان روستایی فقیر و غیر فقیر، شاخص درصد صحت گروه‌بندی محاسبه شد. بر مبنای یافته‌های جدول ۱۱، درصد صحت گروه‌بندی حاصل از مدل تلفیقی برابر با ۸۷/۷ می‌باشد. این یافته بیان‌کننده این است که مدل، ۸۷/۷ درصد زنان روستایی فقیر و غیر فقیر را به طور صحیح طبقه‌بندی و در گروه‌های واقعی قرار داده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

فقر غذایی، نوع شدیدی از سوء تغذیه است. در انسان فقر غذایی طولانی مدت سبب آسیب دیدگی دائمی اندام‌های بدن شده و در نهایت منجر به مرگ می‌شود. در این میان، زنان روستایی از

جدول ۱۱- نتایج گروه‌بندی حاصل از مدل تشخیصی در بین زنان فقیر و زنان غیرفقیر

آمار صحت پیش‌بینی	پیش‌بینی شده		مشاهده شده
	فقیر	غیر فقیر	
۹۳/۴	۴	۵۷	فقیر
۸۵/۱	۱۱۴	۲۰	غیر فقیر
۸۷/۷	-	-	درصد کل موارد درست پیش‌بینی شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش

مثبت و معنی‌داری با احتمال بهبود جایگاه زنان داشته است. قابل ذکر است که برآورد پارامتر مربوط به این متغیر دارای بیشترین میزان کشش بوده است. بنابراین، می‌توان از این عامل به عنوان مهم‌ترین مؤلفه در بهبود رفح فقر زنان روستایی نام برد. با توجه به تأثیر نظر مردان بر انجام فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان، لازم است در آموزش‌های ترویجی مربوط به افزایش مهارت‌های اجتماعی روستاییان به این مسئله توجه شود، زیرا از طریق آموزش‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توان امکان ارتقای منزلت و جایگاه زنان را در بین روستاییان و خصوصاً مردان روستایی فراهم کرد و بر مسائل کلیشه‌ای جنسیتی فایق آمد.

• همان‌طور که مشارکت اقتصادی زنان به عنوان عامل مهمی در بهبود وضعیت اقتصادی اجتماعی زنان شناخته شد، تشکیل گروه خودیار نیز می‌تواند به عنوان مهمترین عامل تسهیل‌کننده مشارکت اقتصادی زنان به کار رود.

• با توجه به این که واگذاری اعتبارات خرد و بدون وثیقه سبب ایجاد فرصتی برای فعال شدن توان کاری فقرا، ایجاد زمینه برای تولید و کسب درآمد پایدار می‌شود، می‌توان از طریق بسیج اجتماعی و اعطای اعتبارات خرد به صورت دادن وام به افراد نیازمند برای رفع مشکلات آن‌ها و یا کمک به شروع فعالیت و کار، توسط مؤسسات اعتباری و خیرین به این مهم نایل آمد.

• حمایت از شکل‌گیری صنایع تبدیلی کشاورزی و بازاریابی، به منظور گسترش و ترویج فرصت‌های شغلی برای نیروی کار مناطق روستایی، با آموزش مهارت در این زمینه یکی از پیشنهادهای مناسب با وضعیت زنان روستایی است.

از مجموع متغیرهایی که وارد مدل شدند مهم‌ترین متغیرهای متمایزکننده دو گروه نگرش همسر، اعتماد به نفس و خودکارآمدی می‌باشند. در نهایت با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردند:

• بر طرف نمودن فقر غذایی به مراتب سخت‌تر و پر هزینه‌تر از بر طرف نمودن فقر مالی است. در مورد زدودن فقر غذایی، رفتار مصرف‌کننده بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، ترویج و گسترش الگوهای تغذیه‌ای مناسب در خانوارهای روستایی باید مد نظر قرار گیرد.

• به نظر می‌رسد مشکل امنیت غذایی در مناطق روستایی بیش از آن که فقر و ناتوانی در تأمین مواد غذایی باشد، عادت تغذیه‌ای نادرست، عدم الگوی تغذیه‌ای مناسب و ناآگاهی از رژیم غذایی مناسب روزانه باشد. بنابراین، با آگاهی‌سازی و ارائه نکات بهداشتی غذایی از طریق مراکز بهداشت روستاها می‌توان بر این مسأله فایق آمد.

• با توجه به تجربیات موفق سایر کشورها در مسأله فقرزدايي، ایجاد چتر حمایت اجتماعی که دربرگیرنده بیمه‌ی بیکاری و بازنشستگی، بیمه‌ی درمانی و توسعه‌ی خدمات آموزشی می‌باشد، برای زنان روستایی پیشنهاد می‌گردد.

• شاخص خودکارآمدی در بین زنان اثر مثبت و معنی‌داری در بهبود مسأله فقر غذایی زنان داشته است. می‌توان از طریق واگذاری مسؤلیت‌های حساس و مدیریتی در منزل و خارج از آن به زنان در جهت تقویت این مهم کوشید.

• نتایج نشان داد، شاخص نگرش همسر و برابری جنسیتی رابطه

منابع

- ۱- البرز م.، افتخاری س.، و گنجعلی م. ۱۳۸۶. عوامل تعیین‌کننده احتمال فقر افراد با استفاده از مدل لوژستیک تجمعی ترتیبی. رفاه اجتماعی، ۲۴: ۱۳۹-۱۲۵.
- ۲- ازکیا م. ۱۳۸۱. فقر، آسیب‌پذیری و توسعه. نامه علوم اجتماعی، ۲۰: ۵۲-۲۰.
- ۳- الهی ز. ۱۳۸۲. زنان سرپرست خانوار. فرهنگ و هنر، ۱۸: ۱۲-۱۰.
- ۴- افتخاری ف. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر فقر روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یاسوج.
- ۵- باقری ف.، دانش‌پور ن.، و کاوند ح. ۱۳۸۶. روند فقر و شاخص‌های فقر در ایران. گزیده مطالب آماری، ۲: ۸۲-۷۱.

- ۶- بختیاری ص. ۱۳۸۹. مالیه خرد راهکاری برای افزایش تولید بخش کشاورزی و کاهش فقر روستایی. دانش و توسعه، ۳۰: ۲۱-۱.
- ۷- حسن زاده ع. ۱۳۷۹. بررسی عوامل موثر بر فقر. فصل نامه پژوهش های اقتصادی ایران، ۴: ۱۸۳-۱۳۵.
- ۸- رئیس دانا ف. ۱۳۸۴. اندازه گیری شاخص و پویای فقر در ایران. رفاه اجتماعی، ۱۷: ۱۹-۱.
- ۹- زاهدی مازندرانی م. ج. ۱۳۹۰. توسعه و نابرابری. انتشارات مازیار. تهران.
- ۱۰- زیاری ک. و موسوی م. ۱۳۸۸. تحلیلی بر اندازه گیری و تبیین خط فقر و سیاست های فقر زدایی. جغرافیا و توسعه، ۱۵: ۲۱-۵.
- ۱۱- شادی طلب ژ. و هابی م. و ورمزیار ح. ۱۳۸۴. فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار. رفاه اجتماعی، ۱۷: ۲۴۷-۲۲۷.
- ۱۲- شاهرودی ع.ا. و چیدری م. ۱۳۸۶. عوامل تأثیر گذار بر نگرش کشاورزان نسبت به مشارکت در تعاونی آب بران (مطالعه موردی در استان خراسان رضوی). علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، ۴۲: ۳۱۲-۲۹۹.
- ۱۳- شوشتریان آ. ۱۳۸۶. بررسی تعیین کننده های نهادی فقر روستایی با تأکید بر تعاونی های روستایی زنان در استان فارس. اقتصاد کشاورزی، ۳۱: ۲۷۰-۲۵۱.
- ۱۴- طالبی ز. ۱۳۸۹. بررسی چالش ها و مشکلات اجتماعی و روان شناختی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی اصفهان و راهکارهای توانمندسازی آنان. مددکاری اجتماعی، ۲: ۲۵-۸.
- ۱۵- عرب مازار ع. و حسینی نژاد م. ۱۳۸۳. برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه های مختلف شغلی خانوارهای ایرانی. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۲: ۱۱۳-۱۱۷.
- ۱۶- عمرانی م.، فرج زاده ذ. و دهمرده م. ۱۳۸۸. عامل های تعیین کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی و شهری ایران. مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۲: ۴۲-۲.
- ۱۷- عنابستانی ع.ا.، شایان ح. و احمدزاده س. ۱۳۹۰. برآورد میزان تأثیرپذیری مشارکت زنان از سرمایه اجتماعی در نواحی روستایی. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۱: ۹۰-۷۰.
- ۱۸- غلامی ش. ۱۳۹۰. فقر زنانه. روزنامه موج نو برگرفته از <<http://www.vista.ir/article/306099>>.
- ۱۹- فیروزآبادی ا. و صادقی ع.ر. ۱۳۸۹. مطالعه ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت. زن در توسعه و سیاست، ۲: ۱۱۴-۹۳.
- ۲۰- کازرونی ع. ۱۳۷۵. تحلیلی بر اندازه گیری و منشاء فقر و سیاست های فقر زدایی در ایران. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسأله فقر و فقر زدایی، ۲: ۲۲۳-۲۰۹.
- ۲۱- نجفی ب. و شوشتریان آ. ۱۳۸۶. برآورد خط فقر، اندازه فقر و بررسی تعیین کننده های آن در خانوارهای روستایی و شهری ایران. اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۵۹: ۲۴-۱.
- 22- Ahmed F. 2004. Practices of poverty measurement and poverty profile of Bangladesh. Asian Development Bank, ERD Working, 54: 1-36.
- 23- Asante C.H. 2008. Men are poor but women are poorer: Gendered poverty and survival strategies in the Dangme West District of Ghana. Norwegian Journal of Geography, 62: 161-170.
- 24- Duclos J.Y. and Arrar A. 2005. Poverty and equity: Measurement, policy and estimation with DAD. D' Economique, Universte' Laval, Quebec, Canada.
- 25- Ellis F. and Mdoe N. 2003. Livelihoods and rural poverty reduction in Tanzania. World Development, 8: 1367-1384.
- 26- Greer J. and Thorbecke E. 1986. A methodology for measuring food poverty applied to Kenya. Journal of Development Economics, 24: 59-74.
- 27- Patten M.L. 2002. Proposing Empirical Research. Los Angeles: Pyrczak Publishing, 234p.
- 28- Qiang D., Xiaoyun L., Hongping Y., and Keyun Zh. 2008. Gender Inequality in Rural Education and Poverty. Chinese Sociology and Anthropology, 4: 64 - 78.
- 29- Rustagi P. 2007. Women and poverty: Rural-urban dimensions. Social Change, 1:14-36.
- 30- Okurut F.N., Odwee J., and Adebua A. 2002. Determinants of regional poverty in Uganda. African Economic Research Consortium (AERC), 122: 1-33.